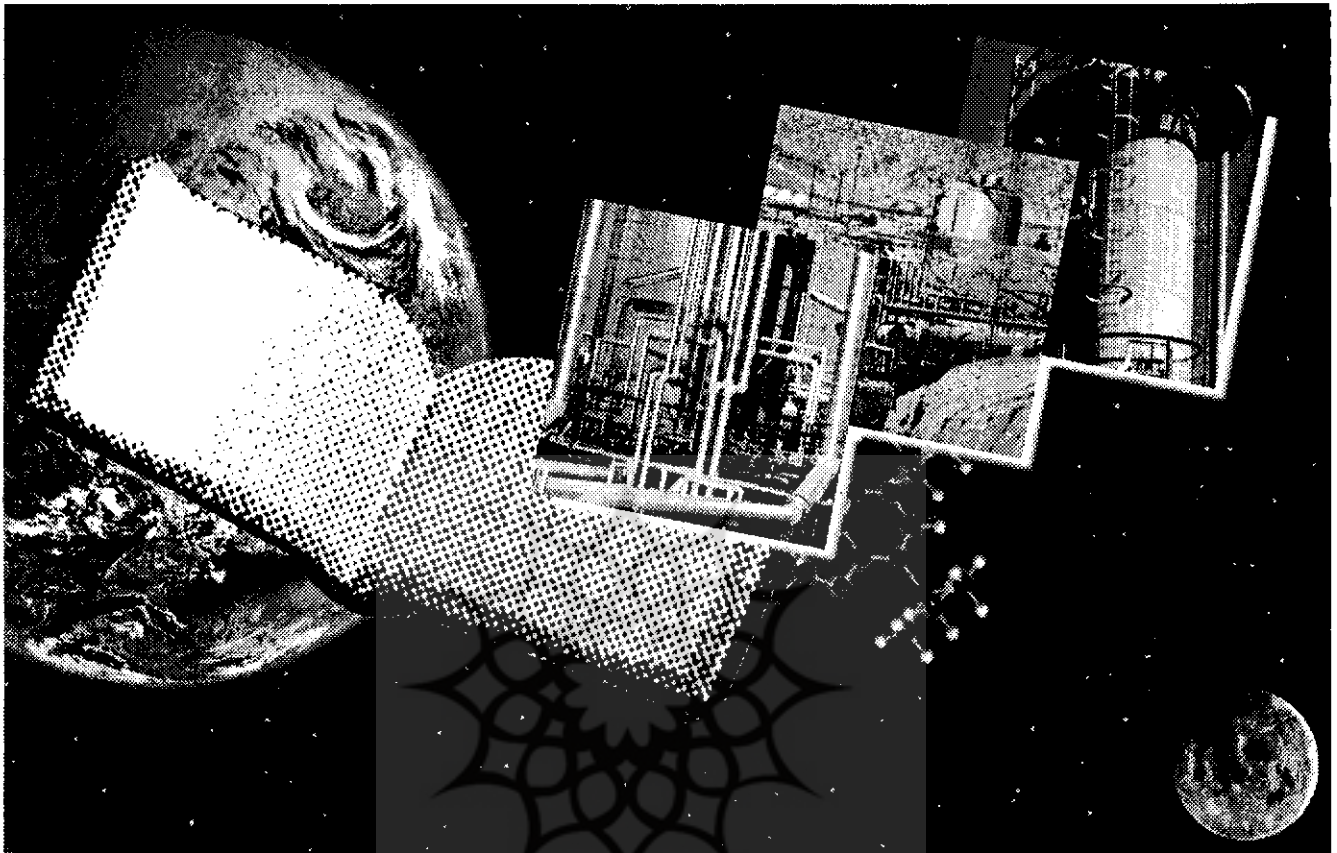


تقاضای جهانی نفت و گاز شرایط کنونی، پیش بینی های آینده



چهارمین سمپوزیوم مرکز مطالعات جهانی انرژی (CGES)
انگلستان - ۲۵ و ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۰
محمدعلی خطیبی

چهارمین سمپوزیوم مرکز مطالعات جهانی انرژی، تحت عنوان «آینده تقاضای نفت و رقابتهای اوپک» در منطقه بگشات^(۱) ساری از توابع شهر لندن تشکیل شد.

در آغاز جلسه، زکی یمانی، رئیس مرکز مطالعات جهانی انرژی ضمن خوشامدگویی به حضار، حساسیت کنونی بازار نفت را مورد تأکید قرار داد. وی به کاهش شدید ظرفیت های مازاد نفت جهان اشاره کرد و منحصر شدن مقدار کم این ظرفیت ها را به دو یا سه کشور و عمدتاً عربستان، بسیار نگران کننده توصیف نمود. او اضافه کرد، سطح این ظرفیتها در حدود صادرات عراق و یا کمتر از آن است و معلوم نیست اگر عراق تصمیم به قطع صادرات بگیرد، چه سر نوشتی در انتظار بازار نفت خواهد بود. وی تکنولوژی را دشمن اوپک خواند، اما همچنین، عملکرد تکنولوژی را در صنعت نفت، به ویژه اکتشاف و تولید، بسیار خوب ارزیابی نمود.

که آژانس بین المللی انرژی به دلیل آنکه پیش بینی های قبلی خود را خوش بینانه انجام داده بود، اخیراً مجبور شده است تا به میزان قابل توجهی پیش بینی خود را در خصوص مقدار تقاضا تعدیل نماید. اما CGES به دلیل آن که بر مبنای پایین تری میزان تقاضا را پیش بینی کرده است، دیگر ناچار نیست تا میزان آن را به طور چشمگیری کاهش دهد.

مصرف کنندگان مشاهده می شود.

وی، نقش قیمتهای بالای نفت را در تقاضای کشورهای آسیای جنوب شرقی منفی ارزیابی کرد و معتقد بود که در سالهای ۹۷ و ۱۹۹۶، این گروه از کشورها در رشد تقاضای جهانی نفت بیشترین نقش را داشتند و کاهش تقاضای آنان در سال ۱۹۹۸، مهمترین عامل سقوط قیمتها بود. در مورد تقاضای سال آینده، وی معتقد بود

رشد تقاضای جهانی نفت

لشودرولاس^(۲)، معاون مدیر اجرایی، CGES عوامل مؤثر بر تقاضای جهانی نفت و اهمیت آن را برای تولیدکنندگان، به ویژه اعضای اوپک برشمرد. به عقیده وی، تقاضای جهانی نفت نسبت به قیمتهای واقعی حساس بوده و این حساسیت بیش از همه در درآمدهای

وی با مقایسه سهم نفت در سال ۱۹۹۹ با سهم سال ۱۹۶۵، نتیجه گیری کرد که هم‌اکنون سهم نفت در میان سید انرژیهای مصرفی ۴۱ درصد است، در حالی که این سهم در سال ۱۹۶۵ نیز ۴۱ درصد بود.

در خاتمه، نامبرده ضمن تأکید مجدد بر اهمیت رشد تقاضای جهانی نفت، خاطرنشان کرد که قیمت نفت باید در سطح معقولی باشد تا رشد سالم تقاضا را سبب گردد.

سخنران بعدی، جولیان لی^(۳) کارشناس ارشد CGES بود که در مورد چشم‌انداز تقاضای نفت تا سال ۲۰۱۰، توضیحاتی را ارائه کرد. وی براساس مدلی که طراحی کرده بود، در ۴ حالت (ادامه شرایط جاری، قیمت‌های ۲۵ دلار اسمی، ۲۵ دلار واقعی و ۲۲ دلار اسمی) تقاضای آتی نفت جهان را تا سال ۲۰۱۰ پیش‌بینی نموده بود. براساس حالت ادامه شرایط جاری، رشد سالیانه تقاضا ۳ درصد خواهد بود که بر این اساس، ظرفیت تولید اوپک در نیمه دهه جاری به ۳۸ و در سال ۲۰۱۰ به ۴۲ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. وی در مورد چشم‌انداز قیمت‌های نفت پیش‌بینی کرده است که قیمت‌های نفت به دلیل ضعف تقاضا به زودی کاهش یافته و به حدود ۲۰ دلار خواهد رسید. اما پس از سال ۲۰۰۳، مجدداً افزایش یافته و در سال ۲۰۱۰ به حدود ۳۵ دلار در بشکه خواهد رسید. در واقع به طور متوسط قیمت نفت در سطح ۲۵ دلار (واقعی) قرار خواهد داشت.

به طور کلی، رقم پیش‌بینی رشد تقاضا توسط CGES در سناریوی ادامه شرایط جاری به مراتب کمتر از پیش‌بینی آژانس بین‌المللی انرژی خواهد بود. همچنین آثار اجرای پروتکل کیوتو بر تقاضای جهانی نفت در صورتی که کشورهای OECD تا سال ۲۰۱۰، به میزان ۲۹ درصد از آلودگی ناشی از انتشار کربن^(۴) بکاهند، بسیار قابل توجه خواهد بود. زیرا در حالت ادامه شرایط جاری، تقاضای جهانی ۱۵ میلیون بشکه در روز نسبت به آن مقداری که باید در سال ۲۰۱۰ باشد، کمتر شده و ۱۰ میلیون بشکه در روز نیز از مقدار کنونی آن کاسته خواهد شد.

رشد تقاضا در کشورهای در حال توسعه
دومین نشست کاری این سمپوزیوم تحت عنوان «بررسی رشد تقاضا در کشورهای در حال توسعه» تشکیل گردید.

اولین سخنران این بخش، تورالدین فرج، کارشناس و مشاور تحقیقاتی CGES بود که

رشد تقاضا در کشورهای در حال توسعه و کشورهای صنعتی را از سال ۱۹۹۰ تاکنون با یکدیگر مقایسه کرده و چشم‌انداز آن را تا سال ۲۰۲۰ پیش‌بینی نموده بود. بر این اساس، سهم صادرات اوپک به کشورهای در حال توسعه، از ۲۲ درصد در سال ۱۹۹۷ به ۵۲ درصد در سال ۲۰۲۰ میلادی خواهد رسید، در حالی که سهم کشورهای صنعتی در سال ۱۹۹۷، ۶۸ درصد بود. همچنین براساس مطالعه انجام شده، حساسیت تقاضا در کشورهای در حال توسعه به مراتب کمتر از کشورهای صنعتی است، اما مصرف سرانه کشورهای صنعتی بیشتر از کشورهای در حال توسعه است. قابل توجه اینکه، ۷۷/۱ درصد از جمعیت جهان در کشورهای در حال توسعه قرار دارد که تا سال ۲۰۲۰، سهم این کشورها به ۸۰ درصد جمعیت جهان خواهد رسید. در نتیجه، وی توصیه نمود که کشورهای عضو اوپک توجه بیشتری به کشورهای در حال توسعه نموده و سعی کنند تا سهم بازار خود را در این کشورها افزایش دهند.

سخنران بعدی، منوچهر تکین، کارشناس ارشد مطالعات بخش بالادستی CGES بود که در مورد رشد تقاضا در کشورهای در حال توسعه آسیایی مطالبی را ارائه کرد. وی به افزایش شدید تقاضای جهانی نفت در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ اشاره کرد و خاطرنشان ساخت، علی‌رغم وقوع شوک اول نفتی، رشد تقاضای جهان همچنان افزایشی بود، اما به دنبال وقوع شوک دوم نفتی، تقاضا افت کرد و پس از سال ۱۹۸۶ به تدریج افزایش یافت. وی معتقد بود که تقاضای نفت در کشورهای پیشرفته، به دنبال رکود اقتصادی در این کشورها کاهش یافت. در نتیجه می‌توان ادعا کرد که تقاضا تابع GDP است نه قیمت.

منوچهر تکین نه تنها رشد سریع تقاضای نفت را در کشورهای در حال توسعه قابل توجه اعلام کرد، بلکه معتقد بود که رشد سایر انواع انرژیها (نظیر زغال سنگ) نیز در این کشورها زاید‌الوصف است. وی متوسط رشد سالیانه تقاضا را در این کشورها، ۵-۴ درصد در سالهای آینده پیش‌بینی کرد.

وی مدعی بود که حساسیت درآمدی در کشورهای در حال توسعه در مقابل تقاضا بیش از یک است، اما حساسیت قیمت‌در این کشورها پایین است. وی در خاتمه نتیجه‌گیری کرد، موتور تقاضا در سالهای آینده، منطقه خاورودور خواهد بود.

سخنران بعدی، خوان کارلوس بویو^(۵)، محقق انرژی از مؤسسه آکسفورد بود که

پیرامون آینده تقاضای نفت منطقه آمریکای لاتین مطالبی ایراد نمود.

وی در ابتدا خاطرنشان ساخت، تغییرات تقاضای نفت منطقه آمریکای لاتین بر خلاف تولید، تأثیر چشمگیری بر تقاضای نفت جهان نخواهد داشت.

به عقیده وی، تولید نفت این منطقه در سال ۱۹۹۷ به میزان ۱۰/۲۶۲ میلیون بشکه در روز بود، در حالی که مصرف در آن زمان به ۶/۳۴۶ میلیون بشکه در روز بالغ گردید که در نتیجه، مازاد این منطقه جهت صادرات، ۳/۹۱۶ میلیون بشکه در روز بود. نکته قابل توجه اینکه، صادرات و واردات نفت میان کشورهای آمریکای لاتین از یکدیگر در سطح پایینی است و عمدتاً واردات کشورهای مصرف‌کننده این منطقه از آسیاست. به عنوان مثال، فقط ۱۲ درصد از واردات برزیل از ونزوئلا است و مصرف نفت این منطقه در سال ۲۰۲۰ نسبت به سال ۱۹۹۰ به میزان ۵۰ درصد بیشتر خواهد بود. اما مصرف گاز که هم‌اکنون در سطح پایینی قرار دارد، در آن برهه (سال ۲۰۲۰) هفت برابر خواهد شد. اما به هر حال، نرخ رشد مصرف فرآورده‌های نفتی در این منطقه از نرخ رشد سایر کشورهای در حال توسعه پایین‌تر است. به نظر وی، پالایشگاه‌های این منطقه از پیچیدگی لازم برخوردار نبوده است، اما به تدریج پالایشگاه‌های این منطقه مدرن‌تر خواهد شد، به طوری که ظرفیت کنونی کوکینگ^(۶) که ۱۲ هزار بشکه است، در سال ۲۰۰۳ به ۲۲۸ هزار بشکه و ظرفیت FCC نیز از ۳۳۸ به ۴۶۳ هزار بشکه افزایش خواهد یافت. واردات بنزین و نفت کوره نیز تا سال ۲۰۰۳ به طور کامل قطع خواهد شد.

نتیجه اینکه به طور کلی گاز در آینده نقش مهمی در تأمین تقاضای انرژی این منطقه ایفا خواهد کرد، هرچند تجربه نشان می‌دهد که منطقه آمریکای لاتین در این مورد قابل پیش‌بینی نیست. آخرین سخنران روز اول، دکتر محمد علی زینی، کارشناس ارشد اقتصاد انرژی CGES بود که پیرامون رشد تقاضای خاورمیانه و آفریقا مطالبی ایراد کرد که اهم نکات آن به شرح زیر است:
- سهم خاورمیانه و آفریقا در مصرف جهانی نفت به ترتیب ۷ و ۳ درصد است (۱/۵ و ۴/۲ میلیون بشکه در روز).

- مهمترین مصرف‌کنندگان نفت منطقه خاورمیانه، عربستان، ایران و ترکیه و مهمترین مصرف‌کنندگان آفریقا، مصر و آفریقای جنوبی می‌باشند. مقایسه روند مصرف خاورمیانه و آفریقا

نشان می‌دهد که برخلاف کشورهای عضو OECD، حساسیت به قیمت‌های جهانی وجود ندارد و عمدتاً مصرف مستقیماً با درآمدها در ارتباط است.

– در صورت برخورداری از رشد اقتصادی بالا، نرخ مصرف نفت خاورمیانه تا سال ۲۰۱۰ به میزان ۲/۴ درصد و در صورت رشد اقتصادی پایین، نرخ مصرف ۱/۹ درصد و در حال مینا، نرخ رشد ۲/۸ درصد خواهد بود.

به طور کلی می‌توان گفت که در این مطالعه، عربستان به عنوان مینا و شاخص در نظر گرفته شده بود.

نقش محدودیتهای زیست‌محیط در تقاضای نفت

نخستین سخنران روز دوم، دکتر فروسینگر^(۷)، رئیس پروژه سیاستهای محیط زیست و مینای علمی آن بود. وی این مطالب را علاوه بر ارائه در این سمپوزیوم در بسیاری از محافل علمی و دولتی آمریکا، نظیر وزارت خزانه‌داری و وزارت انرژی نیز ارائه کرده بود. به طور کلی این سخنران اعتقادی به مسائل مطرح شده در مورد محیط زیست نداشت، زیرا وی مدعی بود که نظریه گرم شدن کره زمین هنوز در عمل اثبات نشده است و آمارهایی که برای گرم شدن کره زمین در اواخر قرن حاضر ارائه می‌شود، آمارهایی گزینشی بوده، در حالی که آمارهای رسمی آمریکا هیچگونه گرم شدن و تغییراتی را نشان نمی‌دهد. بنابراین، گرمایش غیرعادی و زمینه‌هایی برای گرم شدن بیش از حد معمول در کره زمین هنوز مشاهده نشده است. همچنین تغییر حجم یخهای قطبی به گونه‌ای است که نشان می‌دهد، این تغییرات ربطی به عملکرد بشر نداشته و اصولاً این پدیده‌ها خارج از کنترل بشر بوده و ربطی به تغییرات محیط زیست ندارد. از طرف دیگر، براساس محاسبات سازمان ملل به فرض اینکه پروتکل کیوتو اجراء هم شود، تأثیر آن بسیار جزئی و اندک خواهد بود و باعث خواهد شد تا هوا ۰/۰۵ درجه خنک‌تر شود. همچنین باز بودن گریزگاهی به نام تجارت آلودگی^(۸)، باعث می‌شود که بهبودی مورد انتظار هم به وجود نیاید، چون کشورهای آلوده‌کننده محیط زیست با تبادل آلودگی و خرید سهمیه از کشورهایی که آلودگی کمتری تولید می‌کنند، عملاً محیط زیست را آلوده می‌کنند و ظاهراً موقعیت خود را نیز در موضع قابل قبولی قرار می‌دهند. وی خاطر نشان ساخت، برای کشورها اقتصاد مهمتر از علم

و دانش و نظریه‌هاست.

وی همچنین، موضوع دوگانه برخی از کشورهای اروپایی نظیر فرانسه را مورد سؤال قرار داد که از یک سو در جلسات کاهش آلودگی کشورهای صنعتی قول کاهش مصرف سوختهای فسیلی را می‌دهند، اما از سوی دیگر به مردم کشور خود قول کاهش مالیات فرآورده‌های نفتی را می‌دهند که نتیجه طبیعی آن، افزایش مصرف سوختهای فسیلی است.

سخنران بعدی کمیته محیط زیست که در مخالفت با اجرای پروتکل کیوتو مطالبی ایراد نمود، خانم دکتر مارگو تورینگ^(۹) معاون مؤسسه شورای آمریکایی شکل‌گیری سرمایه^(۱۰) بود که در ابتدا آثار اجرای پروتکل کیوتو را بر رشد اقتصادی کشورهای مختلف بیان نمود که بر این اساس، تأثیر سالیانه آن از سال ۲۰۰۸ الی ۲۰۱۲ در حدود ۱ الی ۲/۴- درصد پیش‌بینی شده است. همچنین تأثیر آن بر رشد اقتصادی (واقعی) کانادا ۲/۳۰- درصد، ونزوئلا ۱/۲۰- و مکزیک ۰/۲۵- درصد پیش‌بینی شده است. البته در حالت تجارت آلودگی، دامنه این تأثیر به ترتیب به ۰/۳۰-، ۰/۳۰- و ۰/۰۹- درصد کاهش یافته و تأثیر آن برای آمریکا از ۲- درصد به ۰/۴۰- کاهش می‌یابد. همچنین تأثیر اجرای پروتکل کیوتو بر اشتغال آمریکا نیز منفی بوده و باعث افزایش بیکاری در حدود ۱/۴- تا ۲/۴ درصد خواهد شد. قابل توجه اینکه، تأثیر اجرای پروتکل بر اقلیت فقیر به مراتب بیشتر از اقلیت مرفه خواهد بود. به عقیده وی، به فرض آنکه آمریکا، اروپا و ژاپن هم آلاینده‌های خود را کاهش دهند، تا سال ۲۱۰۰ هند و چین و کشورهای در حال توسعه به قدری آلودگی ایجاد خواهند کرد که تأثیر کاهش آمریکا، اروپا و ژاپن در مقابل آن بسیار ناچیز خواهد بود.

وی در مورد تأثیر انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بر اجرای قوانین محیط زیست خاطر نشان کرد، برخی تصور می‌کنند که در صورت انتخاب گور، اجرای مقررات کیوتو حتمی خواهد بود، در حالی که اگر پارلمان آمریکا این مهم را تأیید نکنند، این مقررات هرگز اجرا نخواهد شد البته اگر بوش در انتخابات پیروز شود به دنبال یافتن جایگزینی برای مقررات کیوتو خواهد بود.

وی در خاتمه یادآور شد، کشورهایی نظیر چین هرگز رشد اقتصادی خود را فدای محیط زیست نخواهند کرد.

پس از سخنرانی دو نفر آمریکایی مزبور در

مخالفت با اجرای پروتکل کیوتو، پروفیسور مایکل گراب^(۱۱) از اسپریتال کالج لندن، مطالبی در موافقت اجرای پروتکل کیوتو بیان داشت. وی معتقد بود، افزایش دما را نمی‌توان منکر شد و تردیدی نیست که این افزایش دما به دنبال افزایش انتشار گازها، پس از دوره صنعتی شدن به وجود آمده است. وی تأکید کرد، دانشمندان معتقدند در ۲۰ سال اخیر دمای کره زمین افزایش یافته است. در مورد انتشار آلودگی وی عقیده داشت، بالاترین نرخ انتشار آلودگی (به ازای متوسط هر نفر) در آمریکا و سپس در کانادا، استرالیا، نیوزیلند و به طور کلی در کشورهای عضو OECD و سپس آسیا و آفریقا است. وی انعطاف‌پذیری پروتکل کیوتو را از مزایای آن اعلام کرد، زیرا با فشار نمی‌توان مشکلاتی را که در پنجاه سال اخیر به وجود آمده است، یکباره برطرف نمود. وی خاطر نشان ساخت، در هیچ بخش از پروتکل کیوتو اشاره‌ای به الزام در کاهش تقاضای نفت نشده است، اما در برنامه‌های آمریکا، کاهش ۷ درصد از مصرف نفت مد نظر قرار گرفته است. بنابراین، خطری از ناحیه مبارزه با آلودگی کره زمین، کشورهای دارای منابع نفتی را تهدید نمی‌کند، بلکه خطر اصلی برای آنان، مسیر سرمایه‌گذاری خواهد بود. وی بر این نکته تأکید نمود که ۶ کشور از ۸ کشور صنعتی جهان، اجرای پروتکل کیوتو را از سال ۲۰۰۲ آغاز خواهند نمود و اجرای این پروتکل زمانی رسمیت خواهد یافت که ۵۵ کشور جهان از جمله ۵۵ درصد از کشورهای صنعتی بر اجرای پروتکل کیوتو تأکید داشته باشند.

تکنولوژی و تقاضای نفت و گاز

کمیته بعدی که مباحث مرتبط با تقاضا را دنبال می‌کرد، کمیته تکنولوژی و تقاضای نفت و گاز بود که در آن سه تن از صاحب‌نظران، مطالبی را پیرامون این موضوع ارائه کردند.

اولین سخنران این کمیته، استیوستل^(۱۲)، مدیر ارائه خدمات مشتریان شرکت تویوتا بود که مطالبی را تحت عنوان خودروها چند سوختی ارائه کرد. وی در ابتدا، دو سؤال عمده را مطرح ساخت که اولاً چرا ضرورت تغییر تکنولوژی در خودروها وجود دارد و ثانیاً نوع انتخاب چگونه باید صورت گیرد؟ وی در پاسخ به سؤال اول، فضای جهانی و آلودگی هوا را از جمله دلایل عمده تغییر تکنولوژی در خودروها برشمرد، زیرا براساس آمار ارائه شده، بخش حمل و نقل سهم قابل توجهی در ایجاد

آلاینده‌ها، به ویژه NOx و CO (به ترتیب با ۵۷ و ۸۷ درصد) دارد. اما پاسخ دیگری برای سؤال اول، وضعیت دشوار دسترسی به انرژی در آینده است، زیرا اکثر صاحب‌نظران معتقدند، پس از سال ۲۰۱۰ دسترسی به نفت دشوار و دشوارتر خواهد شد (زیرا نیمه دوم بهره‌برداری از ذخایر جهانی نفت آغاز و اهد شد). از این‌رو، یافتن انرژی‌های جایگزین در حمل و نقل باید جدی‌تر گرفته شود. البته هم‌اکنون نیز تعدادی از جایگزین‌های نفت مطرح هستند، اما هر یک از آنها مشکلات خاص خود را دارند.

وی سپس به تولید خودرو «پرسیوس»^(۱۳) توسط شرکت توپوتا به عنوان اولین خودرو چند سوخته که در مقیاس انبوه تولید شده است، اشاره کرد و از آن به عنوان خودرویی که منطبق با ملاحظات زیست‌محیطی است، نام برد. این خودرو با دو سیستم برق و موتور کار می‌کند که نوعی از آن با موتور خود، برق مورد نیاز را برای حرکت اتومبیل نیز تولید می‌کند. این خودرو به راحتی گنجایش ۴-۵ نفر را دارد. نماینده توپوتا مدعی شد، با تولید این خودرو، تولید خودرو سبز که با مشکلات زیادی مواجه بود و تا حدودی هم غیر واقعی جلوه می‌کرد، به واقعیت پیوسته است.

سخنران بعدی این کمیته، گراهام لاولند^(۱۴)، مشاور مستقل نفت و گاز بود که در مورد مغایر نبودن توسعه گاز با نفت مطالبی ایراد کرد. وی در ابتدا از نفت به عنوان بزرگترین منبع تأمین‌کننده انرژی جهان نام برد (نزدیک به ۴۰ درصد) و سپس خاطر نشان کرد، نفت و گاز در همه بخشها با یکدیگر رقابت نمی‌کنند. به عنوان مثال، نفت بیشترین سهم را در بخش حمل و نقل دارد که سهم آن نیز در حال افزایش است. در این بخش، گاز تقریباً رقابت چشمگیری با نفت ندارد. وی از سایر رقبای نفت که زغال سنگ و انرژی اتمی است، نام برد و مدعی شد که زغال سنگ هزینه‌بر و انرژی اتمی برای محیط زیست نگران‌کننده است.

نامبرده معتقد بود که رقابت در دو مرحله صورت می‌گیرد: ۱- در لحظه سرمایه‌گذاری ۲- در لحظه مصرف (نظیر نیروگاههای برق). به اعتقاد وی، به جز اروپای شرقی و روسیه، مصرف گاز در سایر نقاط جهان در حال افزایش است و در بسیاری از نقاط جهان نه تنها سهم گاز اضافه شده، بلکه سهم نفت هم افزایش یافته است و این دو انرژی در واقع سهم انرژیهای دیگر را به دست آورده‌اند. وی قیمت گاز را برخلاف نفت بسیار پیچیده قلمداد کرد و مدعی شد که در برخی از نقاط نظیر انگلیس، قیمت با

مصرف رابطه مشخصی ندارد. وی معتقد بود، بخش برق در آینده رویکرد قابل توجهی به گاز خواهد داشت. البته هم‌اکنون از گاز و انرژی اتمی به عنوان انرژیهای سبز نامبرده می‌شود، در حالی که انرژی اتمی از بعد دیگری بسیار آلاینده است. سؤال مهم دیگر اینکه، آیا به اندازه کافی گاز وجود دارد؟ در پاسخ، وی گفت که برآوردهای صورت گرفته مبتنی بر این است که به میزان ۴۲-۴۱ سال نفت و به میزان ۶۲ سال گاز وجود خواهد داشت. منابع گازی عمدتاً در خاورمیانه و شوروی سابق است، اما مناطق متقاضی گاز، آمریکا، اروپا و تا حدودی آسیاست. سؤال مهم دیگر اینکه، آیا می‌توان ارتباط قیمت گاز را با نفت قطع کرد؟ پاسخ این است که اگر نفت گران شود اما گاز ارزان بماند، رویکرد به آن زیاد می‌شود و به ناچار خطوط لوله زیادی باید ساخته شود. به‌طور کلی، گاز جانشین نفت گاز و نفت کوره می‌شود که در این صورت باید سرمایه‌گذاری قابل توجهی در تبدیل فرآورده‌های سنگین به سبک در صنعت نفت صورت گیرد. وی در خاتمه پیش‌بینی کرد، صنعت گاز در آینده از شرایطی بسیار متفاوت با گذشته برخوردار خواهد بود.

آخرین سخنران این کمیته، کاوان هیل^(۱۵) مدیر توسعه بازرگانی شرکت مشترک ساسول-شورون بود که پیرامون تکنولوژی GTL مطالبی به استحضار حضار رساند. وی معتقد بود، GTL گاز غیر قابل حمل و نقل را قابل حمل و نقل کرده و فرآورده‌های آن نیز مواد آلاینده‌ای به همراه ندارند. وی بیشتر بودن منابع گازی و افزایش نسبت گازهای کشف شده به گاز تولید شده را در ۲۰ سال گذشته، از عوامل تقویت‌کننده GTL برشمرد. همچنین پروتکل کیوتو نیز حمایت‌کننده GTL است. وی کاهش قابل توجه هزینه‌های GTL در ۳۰ سال گذشته (تقریباً نصف شده) و تمایل جهانی در کاهش گوگرد و آروماتیک‌ها را در فرآورده‌های نفتی، از دیگر عوامل مثبت برای توسعه واحدهای GTL قلمداد کرد. به ویژه آنکه، فرآورده‌های GTL وارد بخش حمل و نقل می‌شوند که بالاترین سهم افزایش تقاضای جهانی در این بخش است. وی زمان لازم برای احداث یک واحد کوچک GTL را از زمان تصمیم‌گیری، ۴ سال اعلام کرد. نامبرده افزود، واحدهای GTL در صورتی اقتصادی می‌شوند که قیمت‌های جهانی نفت حدود ۲۵-۲۰ دلار باشد که البته قیمت ۲۵ دلار به مراتب بهتر است. وی هزینه‌های احداث یک واحد GTL را به شرح زیر اعلام کرد:

- ۱- هزینه سرمایه‌گذاری حدود ۵ دلار در هر بشکه.
 - ۲- هزینه گاز مصرفی حدود ۵ دلار در هر بشکه.
 - ۳- سایر هزینه‌ها حدود ۱۰-۷ دلار در هر بشکه.
- به این ترتیب کل هزینه‌ها به ۲۰-۱۷ دلار در هر بشکه بالغ می‌شود.
- کمیته بعدی که در بعد از ظهر دومین روز این گردهمایی تشکیل گردید، کمیته سیاست‌های اوپک در قبال تقاضای جهانی بود. در ابتدا آقای چلیبی، مدیر اجرایی CGES، مطالبی پیرامون سیاست‌های قیمتی اوپک و تقاضای آتی نفت بیان داشت. در این خصوص، وی به اشتباهات اوپک تأکید فراوانی نمود و معتقد بود که اوپک حافظه ضعیفی دارد و مرتباً اشتباهات گذشته را تکرار می‌کند. زیرا به دنبال افزایش قیمت‌های جهانی، نفت زیادی از روسیه، خزر و آفریقا روانه بازار خواهد شد و مصرف انرژیهای جایگزین نیز همچون زغال سنگ مجدداً تشویق خواهد شد. وی افزود، همچنان که سخنران قبلی نیز به آن اشاره کرد، باقیمت ۲۵ دلار تکنولوژی GTL نیز قادر است با نفت رقابت کند. وی در ادامه خاطر نشان کرد، به زودی تقاضا نسبت به قیمت عکس‌العمل نشان داده و به این ترتیب تقاضا کاهش خواهد یافت. البته موضوع عراق نیز بسیار مهم است، زیرا شرایط عراق به گونه‌ای است که اصلاً توجهی به قیمت نداشته و با حداکثر توان خود به تولید خواهد پرداخت.
- سخنران بعدی این کمیته، پروفیسور پل استیونس^(۱۶)، استاد دانشگاه دندی^(۱۷) بود. وی اظهار داشت، دلایل دیگری هم برای پایین آمدن قیمت‌ها وجود دارد و آن سیاست‌گذاری در مورد انرژی است که عمدتاً توسط سیاستمداران تعیین می‌شود که سعی در جلب افکار عمومی دارند. وی در خصوص این ادعا که پروتکل کیوتو بر همه کشورها تأثیر خواهد گذاشت، و همچنین درآمدهای بالاتر در کشورهای در حال توسعه باعث مصرف بیشتر نفت می‌شود ابراز تردید کرد، زیرا در این گونه موارد، گاهی مصرف نفت کم شده و برعکس به جای فرآورده‌های نظیر نفت سفید که عمدتاً توسط افراد فقیر مصرف می‌شود، رویکرد به گاز مایع و برق بیشتر می‌شود. همچنین در کشورهای پیشرفته و به ویژه اروپا، مسئولان اخذ مالیات علاقه فراوانی به ازدیاد مصرف فرآورده‌های نفتی دارند. وی افزود، شوک‌های نفتی نیز عمدتاً بر

کشورهای پیشرفته تأثیر گذاشته و باعث افزایش کارایی آنها می‌شود، اما در مورد کشورها در حال توسعه چنین امری صادق نیست. وی پیش‌بینی کرد، در ۱۵-۱۰ سال آینده تقاضای جهانی نفت افزایش یافته، اما پس از آن رشد تقاضا متوقف خواهد شد. وی این سؤال را مطرح کرد که اگر اوپک قیمت نفت را پایین بیاورد، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ آیا در بخش عرضه نفت، سرمایه‌گذاران حاضر به سرمایه‌گذاری خواهند شد، یا هزینه تولید در دریای شمال پایین خواهد آمد و اصولاً تولید دریای شمال و خزر متوقف خواهد شد و نیز در بخش تقاضا، آیا تقاضا به شدت بالا خواهد رفت و یا مصرف‌کنندگان مالیات‌ها را بالا خواهند برد؟

وی سپس راه‌حل‌های قابل‌تصور را برای اوپک مطرح ساخت که در یکی از آنها، اوپک باید صادرات نفت را متوقف کرده و از ارزش افزوده آن بهره‌مند شده و محصولات مربوطه را صادر کند. راه‌حل دیگر اینکه، اوپک، به ویژه تولیدکنندگان مقتدر خلیج فارس، سیاست تبعیض آمیزی را دنبال کنند تا به این ترتیب برای هر بازار قیمت مناسبی انتخاب کنند، به گونه‌ای که جایه‌جایی در بازارهای به‌وجود نیاید. راه‌حل دیگر آن است که کشورهای صادرکننده نفت، قیمت‌های بسیار پایینی برای نفت مصرفی بخش‌های صنعت داخلی خود قائل شوند. راه‌حل دیگر این است که اوپک به گذشته بازگشته و تعیین‌کننده قیمت شود. البته راه‌حل‌های دیگری نیز متصور است، از جمله این که در کشورهای صادرکننده نفت، دولت عملیات صنعت نفت را به بخش خصوصی (نظیر کشورهای پیشرفته) بدهد و یا اینکه کشورهای مهم اوپک همچون اتحادیه‌های زغال سنگ عمل نمایند.

وی همچنین این پیشنهاد را مطرح ساخت که ممکن است اعضای اوپک وارد جنگ بشکند و شده و رقبای خود را تضعیف نمایند. در این مورد آقای چلبی نیز این نکته را عنوان کرد که کشورهای خلیج فارس هنوز به آن حد از نیرومندی نرسیده‌اند که در مقابل فشار آمریکا بایستند، چون اگر قیمت‌های جهانی نفت از سطح خاصی پایین‌تر بیاید، آمریکا برای حمایت از تولیدکنندگان نفت خود وارد عمل می‌شود و همچنین در این حالت، تولید مناطقی نظیر خزر متوقف می‌شود، در حالی که سرمایه‌گذاران در این مناطق از سرمایه‌های خود حمایت می‌کنند.

سؤالات و پاسخ به آنها

در مورد روش تعیین قیمت‌های بسیار پایین

داخلی، لئو درولاس این سؤال را مطرح کرد که اگر قیمت‌های پایین داخلی می‌توانست کمکی به پیشرفت صنعت داخلی کند تا به حال صنعت کشورهای نظیر ایران و عربستان که سالیانه میلیاردها دلار یارانه به آنها تعلق می‌گیرد، (به ترتیب ۶ و ۲ میلیارد دلار) باید تاکنون پیشرفت کرده باشد. در پاسخ به این سؤال، استیونس اظهار داشت، نکته شما درست است، اما به این ارقام (ارقام یارانه) اعتماد نکنید، چون این ارقام معمولاً درست نیستند و بر اساس اصول صحیحی محاسبه نمی‌شوند. سؤال دیگر این بود که در جنگ بشکه‌ها، تولیدکنندگان بیش از همه خود صدمه می‌بینند که پاسخ داده شد این نکته کاملاً صحیح است. نکته دیگری که یکی از حضار مطرح کرد، این بود که چرا اوپک باید در بازار ثبات برقرار کند، زیرا اگر همه بدانند قیمت در سطح ۲۵-۲۰ دلار تثبیت شده است، سرمایه‌گذاری زیادی در بخش بالادستی صورت خواهد گرفت، پس برای اوپک بهتر است قیمت‌ها در نوسان باشد. در پاسخ این سؤال گفته شد که نوسانات شدید باعث عکس‌العمل شدید تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان خواهد شد.

همچنین این سؤال مطرح شد که چه قیمتی معقول است؟ در پاسخ اعضای کمیته اظهار نمودند که کشورهای اروپایی به دلیل سرمایه‌گذاری قابل توجه در بخش انرژی‌های جایگزین نفت، با قیمت‌های بسیار پایین موافق نیستند. همچنین آمریکا نیز به دلیل حمایت از تولید داخلی نفت خود، با قیمت‌های بسیار پایین موافق نیست. عربستان نیز به دلیل بیکاری شدید به دنبال درآمدهای کافی است. عربستان قیمت ۲۵-۲۲ دلار را پیشنهاد کرده است، اما این قیمت، اقتصادی نیست. نکته قابل توجه این است که آمریکا هم قیمت ۲۵-۲۰ دلار را در هر بشکه پیشنهاد کرده است. به طور کلی توصیه گردید که برای ثبات بازار، اوپک باید بازار نفت را بهتر بشناسد.

نشست پایانی

نشست نهایی این سمپوزیوم به ریاست زکی یمانی وزیر نفت اسبق عربستان و رئیس مؤسسه CGES با حضور اعضای برجسته کمیته‌های قبل تشکیل گردید. در ابتدا، زکی یمانی اظهار داشت که شما اوپک را از بیرون می‌بینید، اما این سازمان در داخل چیز دیگری است؛ وی سپس از حضار خواست که موضوعات مورد علاقه خود را مطرح نمایند.

منوچهر تکین پیشنهاد کرد که به نوعی قوانینی جهانی وضع شود که یک طرف، چه

تولیدکننده و یا مصرف‌کننده، نتواند آن را تغییر دهد. زکی یمانی اظهار کرد که من نیز قبلاً این پیشنهاد را داده‌ام، اما موضوع مهمی که هم‌اکنون مطرح است، کاهش شدید ظرفیت‌های مازاد است. هم‌اکنون ظرفیت مازاد اوپک عمدتاً در اختیار عربستان و به مقدار کمی هم در اختیار امارات متحده عربی است، یقین دارم ظرفیت مازاد کویت صفر است، اما دیگران هر یک فقط ۱۰۰-۵۰ هزار بشکه قدرت افزایش دارند. مصرف‌کنندگان هم ثبات می‌خواهند، اما سرمایه‌گذاری‌هایی که خارج از اوپک صورت می‌گیرد، صد در صد به تولید می‌انجامد و ظرفیت مازاد اوپک هم به شدت کاهش یافته است. پس چه کسی حاضر است در ایجاد ظرفیت مازاد سرمایه‌گذاری نماید، به هر حال صنعت نفت هم مانند سایر صنایع نیاز به ظرفیت مازاد دارد. وی همچنین برای نظم بخشیدن به بازار، اصلاح نظام قیمت‌گذاری را ضروری دانست، زیرا قیمت‌گذاری بر اساس نفت خام‌های نظیر برنت و دبی با تولیدات اندک غیرقابل قبول است.

یکی از شرکت‌کنندگان (از مسئولان شرکت PDVSA ونزوئلا) موضوع اجلاس سران اوپک را به عنوان یک رویداد بسیار مهم مطرح ساخت و نظر زکی یمانی را که در اجلاس اول سران حضور داشت، جویا شد. زکی یمانی گفت، این گردهمایی همانند یک جشن تولد خواهد بود که در مبدأ واقعی اوپک، یعنی ونزوئلا تشکیل می‌شود. وی مدعی شد که دستور جلسه را مطالعه کرده و معتقد است از تشکیل این اجلاس نتیجه خاصی به دست نخواهد آمد. ■

- 1- BAGSHOT
- 2- Leo Drollas
- 3- Julian Lee
- 4- Carbon Emission
- 5- Juan Carlos Boue
- 6- Coking
- 7- Fred Singer
- 8- Emission Trading
- 9- Margo Thorning
- 10- Americas Council For Capital Formation
- 11- Micheal Grubb
- 12- Steve Settle
- 13- PRIUS'
- 14- Graham Loveland
- 15- Cavan Hill
- 16- Paul Stevens
- 17- Dundee